

دکتر مصیب عباسی

استادیار تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

iau.mabbasi@gmail.com

بررسی استقراض خارجی ایران در عهد ناصرالدین شاه

چکیده:

بررسی مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که از جمله اصول تمدنی کشور محسوب شده یک ضرورت علمی است و متأسفانه تاریخ‌پژوهان کمتر به موضوعات اقتصادی، اجتماعی پرداختند. برنامه‌ها و کارکردهای اقتصادی دولت‌های قاجاری نسبت به دوره قبل از آن از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. زیرا رقابت روس و انگلیس برای تصرف منابع ایران و تأثیرپذیری دولت‌ها از مناسبات بین‌المللی، کشور را در شرایط نوین اقتصادی و سیاسی قرار داده است.

در کارکرد اقتصادی دولت‌های قاجاری «استقراض خارجی» بسیار مهم و حیاتی است. پرسش اصلی این مقاله معطوف به بررسی استقراض خارجی در دوره ناصرالدین شاه است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بهره‌گیری از استقراض خارجی زمینه وابستگی و بدهی دولت را بیشتر و منابع اخذ شده تأثیری در بهبود زندگی مردم نداشته است.

کلیدواژه‌ها: مالیه، استقراض خارجی، قاجاریه، ناصرالدین شاه، روس و انگلیس.

مقدمه:

بررسی اوضاع اقتصادی ایران در قرن ۱۹ میلادی بدون توجه به وضعیت اقتصادی و مناسبات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی غیرممکن است. زیرا رقابت دولت‌های استعمارگر اروپایی خصوصاً روس و انگلیس در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر مستقیم بر اوضاع سیاسی - اقتصادی ایران داشت. اقتصاد ایران در دوره قاجاریه مبتنی بر زمین‌داری و شبانی است و در تحولات و مناسبات بین‌المللی جز واگذاری منابع و معادن زیرزمینی و بنیادی خویش به دولت‌های روس و انگلیس یارا و توان دیگری نداشت. در این وضع نابرابر، عدم وجود برنامه راهبردی توسعه ملی و عدم استفاده از قوت‌ها و فرصت‌ها برای پیشرفت کشور، شرایط را برای نفوذ استعمارگران فزونی بخشید. جنگ‌های ایران روس، بذل و بخشش، مخارج زاید شاهزادگان - درباریان - والیان و پرداخت مستمری‌های بلا تصدی و غیر ضروری زمینه تهی شدن خزانه ملی را بوجود آورد. در این شرایط ناصرالدین شاه و دولتمردانش به منظور تأمین هزینه‌های دولت و سلطنت و تمشیت امور کشور ناگزیر از اخذ وام‌های خارجی از دول استعماری شده و با اخذ وام از دولت‌های روس و انگلیس زمینه نفوذ این دو کشور را در ایران بیشتر نمودند.

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که با توجه به میزان جمعیت ایران و دامنه کشت و زرع و قابلیت صنایع دستی و سنتی گاه مقادیر زیادی کالا از ایران به سایر کشورها صادر می‌گردید. اما در میانه این دوره در نتیجه بی‌تدبیری - عدم وجود برنامه توسعه و رقابت‌های روس و انگلیس رکود اقتصادی حاکم بر ایران گردید و این روند تا پایان دوره قاجاریه ادامه داشت. البته در دوره مورد بحث رجال فکور و صاحب دانش و روش مانند امیرکبیر تلاش زیادی را برای بهبود اوضاع اقتصادی و حفظ منابع و کسب دانش لازم برای تدوین برنامه بلند توسعه انجام دادند و کارنامه نیک از خویش در صفحات تاریخ به یادگار گذاشتند اما این حرکت آینده‌ساز توسط سلطنت و درباریان جاهل متوقف و فرصت خدمت از این دست از انسان‌های خدوم سلب گردید. اما در کل آنچه در منابع تاریخی این عهد از اوضاع اقتصادی ایران باقی مانده روندی است که ذکر گردید. لذا از مرحله صدور کالا به مرحله اخذ وام خارجی برای تأمین هزینه‌های لازمه و تمشیت امور جاری رسیده است. در این مقاله استقراض خارجی در دوره ناصرالدین شاه و بر اساس منابع اصلی و پژوهش‌های صورت گرفته مورد

بررسی قرار می‌گیرد. پرسش اصلی این است که چرا علی‌رغم وجود منابع اقتصادی بدون توجه به بهره‌گیری از توان مالی درونی به استقراض خارجی روی آوردند؟

تحلیلی بر اوضاع اقتصادی قاجاریه از آغاز تا پایان عهد ناصری:

بدون تردید نظام مالیه قاجاریه ادامه دهنده سازمان مالی دوره‌ای قبل از خود بوده و غالباً تحت تأثیر رفتارهای اقتصادی صفویه قرار داشت. در دوره‌های قبل از قاجاریه، «نظام مستوفی‌گری» حاکمیت داشت و حاکمان با ایجاد دیوان استیفا منابع مالی دولت را تأمین می‌کردند. حوزه کاری مستوفیان محدود در جمع‌آوری مالیات مرکز و ایالات و ارسال آن به خزانه مرکزی است. از آنجا که بیشترین قسم درآمد از مالیات بوده بنابراین اهمیت حضور مستوفیان در اقتصاد این دوره حائز اهمیت است.

شک نیست که تجارت، کشاورزی، صنعت و خدمات ارکان مهم اقتصاد هر کشور است و سهم بسزایی در افزایش درآمد ملی دارند اما در عصر قاجاریه این نوع درآمدها در مرتبه ثانی قرار داشته و پیشرفت تجارت و صنعتی شدن کشور روند بسیار تدریجی و کند بوده است. با توجه به تحولات اقتصادی در دنیا، نظام مستوفی‌گری هیچ تناسبی با دوره قاجاریه و اقتصاد صنعتی نداشت زیرا دولت برای برقراری ارتباط با دول اروپایی نیاز به یک نظام اقتصادی و مالی فراتر و قوی و پویاتر از نظام مستوفی‌گری داشت. خسرو معتضد می‌نویسد:

«انحطاط اقتصادی ایران که از اواخر صفویه، از سیاست و مالیاتی نامناسب و تحمیلی دولت دو برابر کردن مالیات‌ها، اضافه شدن خیل مفتخواران دربار، ازدیاد تعداد مستمری بگیران و وظیفه خواران و سقوط تجارت خارجی ریشه می‌گرفت و به ورشکستگی عمومی کشور انجامید.» سقوط تجارت خارجی از یک لحاظ ناشی از تغییر مسیر تجارت بین‌المللی و کاهش عبور کاروانهای تجاری از جاده‌های ترانزیتی ایران است.^۱

طی قرن یازدهم هجری کشورهای اروپایی با راه دریایی اروپا به هند آشنا شدند. با کشف دماغه امید نیک در سال ۹۰۵ ق/ ۱۴۹۸م مسیر دریایی جدید به روی دیدگان تجار بین‌المللی گشوده شد و در نتیجه جاده‌های خشکی کاروان رو در قرن یاد شده روز به روز کاهش یافت و نقش میانجیگری ایران در تجارت بین‌المللی تقلیل یافت این کاهش در عصر قاجاریه نیز مشهود است. تجارت ابریشم که در عصر صفوی شهره جهانی داشته در دوره قاجاری

بدلائل مذکور و مبادلات تجاری و عدم رقابت بازرگان ایران با تجار اروپایی کاهش پیدا کرده است. تقی نصر می‌گوید:

«انحطاط و وابسته شدن به باختر زمین دو مشخصه کلی سیر اقتصادی ایران در دوران قاجار است.^۲»

آثار این دو چهره در دوره قاجاریه کاملاً محسوس است و مقروض شدن دولت و ملت اوج انحطاط و وابستگی است. نظام مستوفی‌گری به لحاظ کارکرد بسیار پیچیده و منظم و نظارت بر آن مهارت ویژه‌ای لازم داشت اما به جهت اداری بسیار ساده و عاری از سازمان کار عریض و طویل بود:

«کار مستوفیان بیشتر در خانه انجام می‌شد و در اواخر سال هفته‌ایی چند روز در دفتر برای کارهای جمعی حاضر می‌شدند و اغلب سفره رنگین ناهار هم در تالار بزرگی روی زمین گسترده و بعضی اوقات حتی ارباب رجوع در خوردن ناهار با مستوفیان همراهی می‌کردند.^۳»

دیدگاه یکتایی نشانگر قدمت طرح دورکاری در ایران است. امروزه بسیاری از مشاغل در کشورهای مختلف بصورت دورکاری انجام می‌شود. در ایران اخیراً دولت به منظور کاهش هزینه‌ها و کوچک نمودن سازمان کار و حذف پستهای غیر ضروری یا موازی و کاهش جمعیت شاغل در سازمان، طرح دورکاری را در دستور قرار داد.

در نظام مستوفی، برای هر ایالت یک مستوفی انتخاب می‌شد و ریاست مستوفیان را شخصی بنام مستوفی الممالک بعهدده داشت وی در مرکز بوده و عمده وظیفه‌اش تعیین مستوفی و تنظیم کتابچه دستورالعمل برای ولایات و همینطور نظارت بر مقادیر مالیات‌های وصول شده و ارسال آن به خزانه مرکزی است. درباره چگونگی کار مستوفیان آمده است:^۴

«در سال در وزارت دفتر^۵، کتابچه‌ایی توسط مستوفیان تنظیم می‌شد که دستورالعمل می‌نامیدند و آن کتابچه مشخص کننده جمع و خرج و مالیات هر ولایت بود. بعضی مالیات و اصناف هر ولایت به جمع نوشته می‌شد و مخارج آنکه عبارتست از حقوق قشون و محل پرداخته مواجب و مستمریات و تخفیف و انعام که مقرری سالیانه بودند نیز به «خرج» نوشته می‌شد نتیجتاً اگر جمع از خرج بیشتر بود به آن «فاضل» می‌گفتند و بالعکس مبلغ تحت عنوان حساب «باقی» خوانده می‌شد. برای هر فرد^۶ و برای هر

مستوفی هر محل و برای برات نویس‌ها همه حق العمل معین بود. طرز عمل شهرستان‌ها چنان بود که بر طبق کتابچه و دستورالعمل که وسیله مستوفیان مربوط به عنوان مستوفی ولایت یا ایالت تهیه شده بود. مالیات هر محل را جزو جمع می‌نوشتند. دستورالعمل بعد از موافقت و صحه شاه توشیح شده و برای اجرا به حکام و والیان ابلاغ می‌گردید به موجب آن دستورالعمل مالیات ولایات وصول گشته مختصری از آن طبق دستور به مصارف محلی رسیده و مازاد را به مرکز می‌فرستادند. این مبلغ مازاد در پایتخت به مصرف حقوق کارمندان دولت و مستوفیان و سررشته‌داران می‌رسید و همچنین برای پرداخت مستمری که به موجب فرمان در دفتر دیوانی ثبت شده بود و هزینه جشنهای دولتی و نگاهداری بیوتات سلطنتی صرف می‌شد.

در کل می‌توان گفت دستورالعمل چند فصل داشت، فصل عواید، فصل مخارج، فصل فاضل، تحت باقی، فصل فرد تفاوت، وظیفه مستوفیان در مرکز با اندک تفاوتی. مشابه کسب کار مستوفیان در ولایات است.»

محمد مصدق در این باره می‌نویسد:

«مخارج مرکزی با اینکه نتیجه آن عاید ولایات هم می‌شد چون خزانه در مرکز پرداخت مخارج مرکزی یا مخارج رکابی گفته می‌شد که برای مخارج مزبور تا اواخر سلطنت ناصرالدین شاه کتابچه مخصوص نوشته می‌شد که جمع آن عبارت بود از باقی کتابچه‌ها و سایر وجوهی که به خزانه از قبیل گمرک و ضرابخانه می‌رسید و خرج آن کلیه مخارج و مصارفی که باید در مرکز تأیید شود ولی بعد که فقط صورت کل مخارج رکابی در دفتر وزیر مالیه که سررشته کل می‌گفتند و نزد بعضی از مستوفیان که در امور جمع و خرج مملکتی ذی مدخل بود. ضبط می‌شد.»^۷

جمع و خرج مملکت بر اساس میزان مالیات ایالات و آنچه را که علاوه بر مازاد ارسالی سالیانه به مرکز از محل درآمد‌های دیگر کشور به خزانه مرکزی می‌رسید، محاسبه می‌شد. برای نمونه، صورت کل جمع و خرج کشور در سال ۱۳۰۴ ق طبق گفته شمس الدین جزایری عبارت است از:

بودجه کل مملکتی:

۱- جمع عواید نقدی ۴۷۰۳۳۷۰ تومان

۲- جمع کل مخارج نقدی ۶۲۷۷۹۷ تومان

۳- جمع کل عوائد جنسی (گندم و جو) ۳۲۳۱۵۳ خروار (مقداری عم عواید مشترک شلتوک و ابریشم و غیره بود)

۴- جمع کل مخارج جنسی (گندم و جو) ۲۳۲۶۶۲ خروار

اضافه درآمد نقدی ۷۵۵۷۳ تومان و اضافه درآمد جنسی ۹۰۴۹۱ خروار غله. آمار فوق نشان می‌دهد که دخل بر خرج فزونی دارد و تعادلی بین این دو برقرار است و این امر منوط به قدرت و اقتدار سلطنت و تسلط آن بر ایالات و ولایات است.^۸ تعادل یا عدم تعادل بودجه کشور در دوره قاجاریه تابعی از اقتدار و ضعف دولت و سلطنت است. در زمان آغامحمدخان بدلیل کمی هزینه‌ها و رعب شاهانه مالیات‌ها به خوبی وصول شده و دخل بر خرج فزونی داشته است اما از عصر فتحعلی‌شاه به بعد خزانه مرکزی تهی بنظر می‌رسید و این امر ناشی از وضعیت جنگی و حیف و میل زیاد و طرفه رفتن حکام در ارسال درست مالیات‌ها بود.

سرجان ملکم بر خلاف نظر فوق می‌نویسد که مصارف حکومت را بسهولت نمی‌توان معین کرد لکن محقق است که مخارج خیلی کمتر از مداخل است غالباً تدبیر سلاطین این مملکت مانند بسیاری از سلاطین آسیا جمع کردن مال بوده است زیرا که در حکومتی نه رعیت را به دولت اعتبار و نه سلطان را بر رعیت اعتماد است همیشه خزانه مملو را یکی از امور لازمه به جهت حفظ مملکت می‌دانند.^۹

علی‌رغم ثنات و حساست شاهان قاجاری، باز خزانه تهی است و برای پر نمودن آن به هزاران حيله متوسل گردیده بطوری که بیش از ۲۰۰ نوع مالیات برقرار می‌نمایند. اگر اشخاص لثیم و خسیس بوده بسیار ولخرج و افراطی بنظر می‌آیند به قول تقی نصر بی‌مبالاتی و هرج و مرج مالی کار را به جایی رسانید که ناصرالدین میرزای ولیعهد برای آنکه از تبریز به تهران برای نشستن بر تخت سلطنت سفر کند، ناچار متوسل به گرفتن وام از این و آن گردید.^{۱۰}

منابع درآمد و هزینه‌های دولت

محققان درباره منابع درآمد قاجار نظرات متفاوت ارائه دادند.

«منابع درآمد را به دو دسته عمده مالیات یا درآمد ثابت و سیورسات یا درآمد غیرمنظم، تقسیم می‌کند و مالیات‌ها از چهار منبع زیر بدست می‌آید:

۱- مالیات مستقیم ۲- درآمد اراضی خالصه ۳- گمرکات ۴- اجاره بها و مقاطعه‌ها و سیورسات از سه منبع زیر کسب می‌گردد.

۱- مصادره‌های عمومی

۲- پیشکش‌ها در ایام عید نوروز

۳- پیشکش‌های فوق‌العاده از هدایا، جرائم، رشوه‌ها و مصادره‌ها.

منبع اصلی درآمد مالیات ارضی بود که به صورت نقدی و جنسی پرداخت می‌شد.^{۱۱} مهم‌ترین منابع درآمد عبارتند از:

۱- مالیاتهای مستقیم ۲- مالیات‌های غیر مستقیم ۳- اداره گمرک ۴- ضرابخانه

۵- پست و تلگراف ۶- تذکره ۷- خالصجات

۸- معادن ۹- حق تمبر و ثبت اسناد ۱۰- امتیازات و وجه الاجاره‌ها.^{۱۲}

مالیاتی که دولت از ولایات می‌گرفت دو قسم بود: یکی مالیات املاک مزروعی و دیگری مالیات صنفی^{۱۳}، بی‌تردید بنیان اقتصاد ایران در این دوره بر پایه زراعت بود. زمین و مالکیت آن به عنوان بهترین منبع درآمد قابل توجه است و زمین در دوره قاجاریه به سه قسم - بندی گردید:

۱- خالصجات ۲- اوقاف ۳- اربابی

بخشی از زمین‌های خالصه به صورت مقاطع به اشخاص واگذار می‌گردید. لمبتون می‌نویسد:^{۱۴} پس از سلطنت آغامحمدخان میل غالب بر این بود که اراضی وسیعی از مملکت به عنوان تیول به این و آن واگذار شود و به وسعت نواحی‌ای که من غیر مستقیم اداره می‌شد نسبت به سایر نواحی که مستقیماً اداره می‌شد، افزوده گردد.

امین السلطان برای تسریع در امر پیشرفت زراعت، املاک خالصه را به اشخاص منتقل ساخت و طی دستورالعمل مبنی بر واگذاری زمین‌های مذکور صادر و مقرر شد که آنها مشمول پرداخت مالیاتی نسبتاً سنگین شوند و مالیات آن را نخست به جنس آورده و سپس تسعیر می‌کردند.^{۱۵}

به تعبیر حاج سیاح مالیات اسمی است که در تمام ایران بهانه چاپیدن است با کمال بی اعتدالی املاکی که مالکان آن، امراء و مقتدرین و ملاهای مقتدر می‌باشند، مالیات ندارد و یا اگر دارد قلیل است و تحمیلات بی‌اندازه بر ضعفا و رعایا است.^{۱۶} بی‌نظمی در وصول مالیات و به یغما رفتن مبالغ جمع‌آوری شده دولت را به تحمیل مالیات‌های دیگر برای افزایش درآمد وادار می‌کرد.

میلسپو می‌گوید در ایران حدود ۲۰۰ نوع مالیات متفرقه وجود داشت که جمع‌آوری آن باعث ناراحتی مردم و ایجاد مشکلات فراوان می‌شده است.^{۱۷} علاوه بر مالیات‌های اراضی، مالیات بر اشجار و احشام هم وجود داشت. سرجان ملکم می‌نویسد:

«مالیات بر اشجار میوه‌دار بدین گونه است که تاک را اگر فاریاب باشد یعنی آب مقرر داشته باشد درختی ۶ دینار و اگر نجس باشد یعنی آب معینی نداشته باشد ۵ دینار - گلابی، شفتالو و امثال آن را درختی ۲۰ دینار، گردو را درختی ۱۰۰ دینار می‌گیرند.^{۱۸} وی درباره مالیات بر احشام می‌نویسد گاو شیرده ۳۰۰ دینار، مادانی که برای کره گرفتن است ۱۰۰۰ دینار، شتر ۳۰۰ دینار، گوسفند ۷۰۰ دینار سالیانه به دیوان می‌دهند.^{۱۹}

جز دیگر مالیات معین ایران از کرایه زمین خان‌ها و حمام‌ها و کاروانسراها و دکاکین و آسیاها و کارخانه‌ها اعم از اینکه قماش باشد یا کارخانه شیشه‌گری و دباغی و آهنگری و امثال آن^{۲۰} حال باید دید که این همه مالیات به چه نحوی دریافت می‌شد و در نحوه دریافت مالیات معمولاً اجحاف می‌گردید و از مقادیر تعیین شده بیشتر دریافت می‌کردند. مخبرالسلطنه اعتقاد دارد که مقدار مالیات تعیین شده چندان لطمه‌ای به دهقان نمی‌زد ولی تعدی حکام و عمال بار رعیت را سنگین می‌کرد.^{۲۱}

کرزن در خصوص جمع‌آوری مالیات می‌نویسد:

«دوره قاجاریه علی‌رغم اینکه مالیات بر زمین و افراد می‌بستند ولی در نحوه جمع‌آوری از سوی مرکز مؤدیان مالیاتی آن‌ها را جمع‌آوری نمی‌نمودند بلکه مالیات را بر شهر و قریه و ده تحمیل و در واقع عواید در بست از طرف دولت در مقابل مبلغ ثابت معینی به اجاره واگذار و پرداخت‌های بلوک و نواحی به رای و تصمیم احتمالاً جابرانه حکام محلی و سرکرده‌ها و کلخداها محول می‌شود.^{۲۲}

البته این قسم در همه جا اعمال نمی‌شد و جمع آوری مالیات مطابق دستورالعمل هر ایالت صورت می‌گرفت حاکم هر ایالت یک نفر از اجزاء و بستگان خود را به سمت رئیس مالیه معین می‌کرد، او هم از حکام جزو نواب بلوکات مالیات آن محل را به اضافه تومانی دو سه قران که «رسوم» می‌نامیدند، سند گرفت. حاکم جز یا نایب الحکومه هم تومانی دو سه قران به تفاوت محل به آن مبلغ اضافه می‌کرد. «ابواب جمع» کدخداها می‌کرد.

کدخداها هم لااقل تومانی یک قران برای خودشان اضافه می‌کردند و از رعیت می‌گرفتند.^{۲۳}

هر کس اسلوب کار مستوفیان را مطالعه کند در می‌یابد که از نظم ویژه‌ای برخوردار است و کمتر خللی در آن وارد می‌گردد اما در عمل خلاف آن مشاهده می‌شود و روال کار از نظم افتاده و بر خلاف دستور العمل مالیات‌های گزاف از طبقه پائین جامعه اخذ می‌شده است. افزون بر این در تخصیص مالیات برای هر ایالت عدالت رعایت نشده و عدم قانون تساوی در وصول مالیات نیز سبب قلت مالیات می‌گردیده است. همچنین باید گفت که بی‌نظمی در وصول مالیات و به تعویق افتادن آن‌ها سبب سستی در خزانه مرکزی وارد ساخت و شاهان را وادار کرد برای اعاده نظم در وصول مالیات به قشون متوسل شوند و چنین کاری را فتحعلی‌شاه نسبت به ایالت فارس انجام داد. وی از فرمانفرما حاکم فارس، پرداخت مالیات‌های معوقه را خواست که در نتیجه عدم اطاعت حاکم فارس، به دستور شاه قشونی بدان دیار فرستاده شد.

«حکام ممالک محروسه همیشه تابع احکام دربار دولت بودند و حالا دربار و دولت مطیع حکامند، باقی کتابچه‌های سابق بلاحرف به خزانه می‌رسید، حالا حکام مخارج بی‌معنی می‌تراشند و به پای مالیات می‌نویسند و از اقساط دیوان کسر می‌کنند، پاره‌ای اوقات نیز طلبکار می‌شوند، سابق دوایر دولت هر یک بخوبی راه می‌رفت و مدیران دولت مشغول کار بودند. اقلأً حفظ صورت نوعی را می‌کردند حالا اسمی از آن‌ها نیست. مثل این است که همه معزولند و چهار میرزای نکره به میل خود ایران را در اختیار گرفتند.»^{۲۴}

مضاف بر منابع درآمدی که ذکر گردید به علت بی‌نظمی در وصول مالیات و کاهش روز افزون مقادیر ارسالی آن به خزانه مرکزی، بواسطه اجحافات و زیاده‌روی‌های حکام و مؤدیان

مالیاتی خزانه دولت با کمبود مواجه می‌گردید و این امر موجب شد که شاهان قاجار از طریق مناصب‌فروشی و رشوه‌خواری تحصیل پول و درآمد نمایند.

بنجامین نخستین سفیر امریکا در ایران در عهد ناصرالدین شاه درباره مناصب‌فروشی به عنوان منبع درآمد نوشت:

«شخص شاه از سیستم خرید و فروش پست‌ها بیش از همه سود می‌برد و قسمت مهمی از درآمد خزانه او از وجوهی بدست می‌آید که بابت واگذاری پست‌های مهم به افراد دریافت می‌کند.^{۲۵}»

مناصبی که معرض فروش قرار می‌گرفت از مقام صدارت تا پائین درجه رتبه آن بود. رئیس نیا تصریح می‌نماید که دولت قاجاری برای بدست آوردن پول پس از ناامیدی از فروش امتیاز و وصول قرض از بیگانگان به تعویض و تغییر حکام می‌پردازد تا سیل پیشکش‌ها به سوی سرازیر شود.^{۲۶}

مخارج دولت به دو بخش عمده و کلی تقسیم می‌گردد. یکی مخارج ایالات و دیگر مخارج دولت در مرکز، آنچه که در ایالات هزینه گردید مربوط به امور حکمرانی، پرداخت بعضی مستمری بگیران و همچنین پرداخت حقوق قشون و غیره است و آنچه که در مرکز خرج شد بر دو قسم است. یکی مخارج قوه اجرایی و دیگر مخارج شاه و درباریان.

تمامی درآمدهای دولت صرف این مخارج می‌گردید. مالیاتی که در ولایات جمع‌آوری می‌شد پس از در رفت مخارج، مازاد آن به مرکز فرستاده می‌شد. دولت بر اساس دریافت‌های خود، خرج می‌کرد ولی در قسم مخارج شاه و درباریان، دولت موظف بود که تحت هر شرایط و جوه لازم را تهیه نماید.

تلاش برای اصلاحات مالی:

وخامت اوضاع مالی و تهی بودن خزانه شاهی با روی کارآمدن ناصرالدین شاه ادامه داشت گرچه ناصرالدین شاه در عهد ولایتعهدی در تبریز بدلیل هزینه‌های گزاف و غیرضروری با خزانه خالی مواجه بود اما در دوره سلطنت موضوع فرق ماهوی دارد. وی با انتصاب امیرکبیر به عنوان صدراعظم قصد داشت اوضاع را سروسامان دهد. امیرکبیر با تحلیل وضعیت اقتصادی و مالی کشور و شناخت کافی از منابع درآمد و مصارف، برنامه اصلاحی خود را تدوین کرد. وی محمدعلی میرزا^{۲۷} را جهت مطالعه در امور مالی به فرانسه اعزام کرد و در سال ۱۲۶۶ ق

طی نامه‌ای به ناصرالدین شاه خواهان عدم پرداخت و یا افزایش مواجب درباریان گردید.^{۲۸} امیر امیر با حفظ نظام مستوفیگری در سال ۱۲۶۷ ق شش حوزه مالیاتی در گستره کشور بوجود آورد. هریک از حوزه‌های ششگانه زیر نظر یک مستوفی اداره می‌شد. از این پس مستوفیان در ایالات نظارت مستقیم داشتند و حکام در جمع‌آوری مالیات حق دخالت نداشتند. درباره اصلاحات مالی امیر می‌نویسند:

«سیاست مالی میرزاتقی خان بردو پایه اصلی قرارداد است. کاستن خرج دولت، افزایش عایدات و برای افزایش عایدات چند کار مهم و اساسی صورت داد وصول مالیات پس افتاده از حکام ولایات و خوانین محلی که با سوء استفاده از ناتوانی دولت در ایام فترت تعهد مالی خود را ادا نکرده بودند. گمرک را بر قانون تازه‌ای نهاد. برانداختن زیاده‌روی‌های محصلین مالیات و الغای رسم ستمگرانه، سیورسات سپاهان، تجدید نظر در بهای زمین‌های آباد و تعیین مالیات آن‌ها به مأخذ محصول آن زمان، تجدید نظر در دفتر خالصجات و تنظیم درآمدها.»^{۲۹}

کار مهم دیگری که امیر صورت داد کاهش مواجب درباریان و مستمری بگیران است که در افزایش عایدات سهم عمده داشته است. لسان الملک سپهر در این باره می‌نگارد:

«پس طبقات شاهزادگان بزرگ را تا چاکران خردنام هرکسی را از مستوفیان درگاه و عارضان سپاه همی خواست و از مرسوم و مواجب ایشان لختی کاست. و در این امر وضع و شریف و قوی و ضعیف را به یک دست بهره فرستاد و تا هیچکس را به کسی سخره نباشد.»^{۳۰}

حرکت اصلاحی امیر، راهگشای ترقی و پیشرفت بسیاری از امور زراعی و صنعتی شد. اصلاحات امیر پس از او کم و بیش ادامه یافت. سپهسالار از جمله اشخاصی است که اهتمامی در ترقی و پیشرفت ایران داشت و کوشید بر منبای تمدن غرب، مسیر ترقی را تعریف نماید. وی اصلاح مالیه و تاسیس بانک دولتی را برای ترقی کشور ضروری دانست. بنابراین جهت هماهنگ نمودن نظام مالیاتی ایران با اروپا به استخدام مستشاران مالی همت گماشت. بنا بر نظر آدمیت، سپهسالار هیئتی از مستشاران اتریشی را به ایران دعوت کرد. بارون دو استاین یکی از اعضای بیست و چند نفری خبرگان اتریشی است که برای وضع نظام جدید مالی به ایران آمد.^{۳۱}

شاه از اصلاح مالی چندان استقبال نکرد و نبود رهبری قاطع در پیگیری اصلاحات مالی و عدم همکاری در کار دیوان، سبب گردید که هیئت اتریشی کاری از پیش نبرد.^{۳۲}

معایب نظام مالیه قاجاریه:

اولین و مهم‌ترین عیب مالیه قاجار، غیرمتمرکز بودن آن است. در این روش حیف و میل و عدم محاسبه دقیق از میزان منابع و درآمد ملی آسیب جدی به اقتصاد کشور و عمران و آبادانی وارد ساخت. دخالت والیان و اقتدار آنان در حوزه سیاسی، اقتصادی روحیه منفعت‌گرایی و سیطره ایالتی و خودمختاری را مضاعف ساخت. در نظام قاجاری داشتن توان مالی برای مانور سیاسی یک اصل بنیادی بوده است.

دوم عیبی که در این نظام وجود داشت عدم تناسب بین میزان پرداخت مالیات و درآمد مالیات دهندگان است. بعضی اشخاص که از ثروت و مکنت بیشتری برخوردارند و همچنین نفوذی هم که در حکومت دارند به جای پرداخت بیشتر مالیات از آن معاف می‌گردند. روحانیت، تجار بزرگ و پرنفوذ، اشراف، شاهزادگان، ملاکین قاجار مشمول پرداخت نبودند. سوم: موروثی بودن از جمله عیوبی است که در این نظام وجود دارد. کسانی که می‌توانستند مستوفی شوند که مستوفی‌زاده باشند.

چهارم، عیب دیگری که به چشم می‌خورد بی‌عدالتی در وصول مالیات و ازدیاد بی‌موقع آن و همینطور بعضاً دریافت زودرس مالیات که خود یکی از مصیبت‌های مرگ‌آوری برای طبقه زارع و کشاورز بود و همینطور تحمیل انواع واقسام مالیات‌های گزاف که مردم را با سختی و دشواری مواجه ساخت. به قول خانم شیل تنها کسانی که مقروض نیستند نزول خوارها بوده وگرنه با هر کسی صحبت کنید از قرض‌های خود می‌نالند.^{۳۳}

پنجم: عیب دیگری که در خصوص این نظام می‌توان برشمرد، تعرض به اموال متوفیان است. سائل نجاش می‌نویسد:

«... وقتی که یکی از افسران ارشد در سال ۱۸۹۲ م درگذشت دارایی اش ۳۶۰/۰۰۰

تومان بود که به طور آنی در میان پزشکان، دندانپزشکان و پسران دو نفر از درباریان تقسیم گردید.^{۳۴}»

ششم: عدم وجود قانون برای محصلین و مؤدیان خاطی، آنها با همکاری و هماهنگی حکام هر چه می‌خواستند از مردم چاپیدند. به قول مورگان شوستر فقدان وسایل مجازات

هرگونه جنایتی بی‌شبهه باعث وسعت تقلبات و خیانت‌های عمومی شده و به تدریج به ادارات دولتی هم سرایت کرده بود.^{۳۵}

با توجه به شرح و توضیح آمده در خصوص وضعیت مالی دوره قاجاریه و دریافت اطلاعات درباره سیمای اقتصادی عصر یاد شده به خوبی روشن است که کسری بودجه و ناتوانی در تأمین درآمد از منابع ملی ایران را در نتیجه سوء مدیریت و فقدان علم مدیریت در کشورداری به سمت استقراض خارجی سوق داد که در ادامه مقاله وضعیت استقراض خارجی این عصر را تحلیل نموده تا روشن شود که ریشه‌های عقب ماندگی و توسعه نیافتگی ایران را باید در کارکردهای نادرست عصر قاجاری دانست.

استقراض خارجی:

بی‌تردید پدیده استقراض در تاریخ اقتصاد معاصر ایران به عنوان نقطه عطفی در خور توجه و تتبع است. زیرا در گذشته‌ی ایران چنین امری صورت نگرفت و در رتق و فتق امور از پول خارجی استفاده نشد و عواید حاصل از مالیات، سیورسات، گمرک، تجارت و غیره مخارج دولت را تأمین می‌نمود. دولتمردان در روابط خارجی با دول اروپایی از مواضع قدرت برخوردار نموده و بر توسعه تجارت و صادرات تولیدات داخلی اهتمام داشتند اما دولتمردان قاجاری از این حیث کمتر بذل توجه نمودند. ایران در دوره قاجاریه وارد روابط پیچیده بین‌المللی شد و استعمارگران برای دستیابی به اهداف توسعه‌طلبانه سیاسی و اقتصادی خود ایران را مورد هجوم قرارداده و به سلطه‌گری پرداختند. انگلیس از گرفتاری مالی ایران در این جنگ‌ها سود برد و با پرداخت مبلغی به ایران برای غرامت جنگ، بر دولتمردان قاجاری سلطه افکند:

«انگلیسی‌ها با پرداخت دویست هزار تومان به دولت ایران رضایت این دولت را برای امضای مواد سوم و چهارم قرارداد نوامبر ۱۸۱۴ م ایران و انگلیس جلب نمایند.^{۳۶}»

توضیح مذکور نشان می‌دهد که کمبود پول سبب شد که دولت تن به چنین شروطی دهد از عصر فتحعلی‌شاه خزانه مرکزی با کسری مواجه بود و سیاست استعماری انگلیس توانست با اعطای پول به دولت، ایران را متمایل به خود سازد. تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

جامعه در آغاز قرن نوزدهم که متأثر از سرمایه‌داری اروپاست برای کشور بسیار دردناک بود و ایران به سختی کفاره شکست نظامی را می‌داد و با بحران مالی -بازرگانی مواجه گردید.^{۳۷}

ناصرالدین شاه برای تأمین هزینه سفر از تبریز به تهران و تصاحب تاج و تخت شاهی ناگزیر از استقراض گردید و حتی در رفتن به تهران تعلل می‌کرد چون «خزانه‌اش تهی بود و آغاز پادشاهی بدون پول کاری است پرخطر، بنابراین از آنچکچیف وام خواست. وی بازرگانان یونانی، ساگراندی پتروکوکینسو وهالد و واکی را که زیر حمایت روسیه بودند راضی کرد تا به شاه ده هزار تومان وام بدهند. بازرگانان ایرانی نیز همین اندازه پول به شاه وام دادند.^{۳۸}»

این پادشاه قاجاری با استفاده از این پول بر سریر قدرت تکیه زد و با انتصاب امیرکبیر به مقام صدارت توانست وضع مالی را سروسامان بخشد. شاه از طریق اعطای بعضی از امتیازات، مبالغ لازم برای سفرهای اروپایی و بذل و بخشش‌های شاهانه را تهیه نمود. البته امتیازدهی شاه نیز یکی از زمینه‌های مهم استقراض است. دولتی که به واسطه حق‌الامتیاز امرار معاش می‌نماید حال و روزش معلوم است. عبدالحسین خان سپهر معتقد است که سیاست‌های اقتصادی و تجاری حاج امین‌الضرب موجب تنگدستی کشور گردید و استقراض خارجی نیز متأثر از این گونه سیاست‌هاست.^{۳۹}

از هم پاشیدگی تجارت و افزایش واردات بر صادرات سبب خروج سرمایه شد و دولت را در همه حال در وضعیت احتیاج قرار داد. اما دولت و دربار برای رهایی از این کار اقدامات سازنده‌ای صورت ندادند، اعمال آن‌ها خود یکی از زمینه‌های مهم استقراض خارجی است. چارلز عیساوی می‌نویسد: ایران از نیمه دوم قرن ۱۹ شروع به گرفتن قرضهای خارجی نمود. در ایران همانند سایر کشورهای خاورمیانه نیاز به پول از سه منبع مایه می‌گرفت. ۱- ریخت و پاش‌های دربار ۲- ترقی هزینه‌های نظامی که باعث آن نوسازی نیروهای مسلح بود ۳- پرداخت خسارت و تاوان به دولتهای خارجی و یا افراد.^{۴۰}

نتیجه اعطای امتیاز رویتر و تأسیس بانک شاهی در ایران تخصیص ۴۰۰۰۰ لیره به شاه که توانست سفره اروپایی‌اش را انجام دهد. این وضعیت نشان می‌دهد که «نیاز به پول» اولین و مهم‌ترین عامل استقراض خارجی در دوره ناصری است. منابع تاریخی اذعان می‌نمایند که نخستین قرضه خارجی ایران، قرضه رژی است ولی بعضی از محققین اعتقاد دارند که سه فقره وام با قرارنامه مشخص وجود دارد که عبارتست از:

۱-قرضه ۱۲۹۰ ه-ق

درباره این قرضه آمده است:

«هنگامی که در سال ۱۲۹۰ ناصرالدین شاه برای اولین بار به اروپا می‌رود قبلاً دستور می‌دهد به جهت مخارج سفر قراردادی برای گرفتن ۰۰۰/۲۰۰ لیره با رنج صدی پنج با ژولیوس رویتر منعقد شود. قرارداد مذکور در تاریخ ۸ صفر ۱۲۹۰، ۶ آوریل ۱۸۷۳ به امضا رسید و در شش فصل به فارسی و فرانسه نوشته شده و ملکم خان ناظم الملک وزیرمختار ایران در لندن به وکالت از طرف ناصرالدین شاه آن را امضا نمود.^{۴۱}»

۲-قرضه ۱۲۹۶ ه-ق

تیموری در تحقیقات خود به دریافت پول توسط صدراعظم وقت برای تأمین سفر ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۹۶ ه-ق اشاره می‌کند اما به خوبی روشن نگردید که صدراعظم چه مبلغی و چگونه آن را تهیه کرده است. اما این سفر صورت گرفت و امین‌الدوله در خاطرات خویش گزارش‌هایی از این سفر ارائه داده است.^{۴۲}

۳-قرضه ۱۳۰۶ ه-ق

تیموری در خصوص این قرضه می‌نویسد:

«در این سال ناصرالدین شاه برای سومین بار سفری به اروپا می‌نماید. بنابراین جهت انجام آن وامی به مبلغ ۰۰۰/۴۰ لیره از بانک شاهنشاهی ایران می‌گیرد. ناصرالدین شاه قبل از اینکه امتیاز نامه بانک شاهنشاهی را امضا کند از جرج رویتر فرزند بارون رویتر می‌خواهد نوشته‌ای بدهد که ۰۰۰/۴۰ لیره به او قرض خواهد داد. جرج رویتر در ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۰۶ ق، سوم ژانویه ۱۸۸۹ میلادی مبلغ ۰۰۰/۴۰ لیره‌ای را که سابقاً بابت وجه الضمان امتیاز نامه ۱۸۷۲ م در بانک انگلستان بنام دولت ایران به ودیعه نهاده بود به او رد کند از همان محل این وام را خواهد داد. دولت ایران پس از آنکه اجازه می‌دهد بانک انگلستان ۰۰۰/۴۰ لیره را به رویتر رد کند جولیس رویتر نیز این مبلغ را به ناصرالدین شاه می‌دهد.^{۴۳}»

به نظر می‌رسد اینگونه قروض در واقع قروض نیستند بلکه رشوه یا هدیه‌ای است که از سوی امتیاز بگیران تقدیم شاه می‌گردد و سند قطعی در خصوص این قروض وجود ندارد.

فرضه رژی:

با فسخ قرارداد رژی، ایران پذیرفت که غرامت کمپانی را بپردازد. میزان غرامت پس از گفتگوی زیاد و تبادل نامه بین طرفین، مبلغ ۰۰۰/۵۰۰ لیره تعیین گردید. ایران برای پرداخت این مبلغ مشکل داشت. زیرا موجودی خزانه دولت ناچیز و اندک بود. از این رو برای تهیه پول روی به جانب دول اروپایی آورده و از آن‌ها تقاضای وام نمود. مهدی بامداد به استناد یادداشت‌های روزانه اعتمادالسلطنه می‌نویسد: «راجع به پرداخت غرامت، اعتمادالسلطنه به امین السلطان گفت، باید داد اما نه از خزانه.»^{۴۴}

در این ماجرا امین السلطان صدر اعظم وقت طرفدارانگلیس است. موضع شاه مشخص نیست بیش از هر چیز نفع خویش را می‌بیند. اعتمادالسلطنه هم که هر از چندگاهی پادویی این جریان را بین دارالسلطنه و سفارتخانه می‌کرد چشم از انتفاع شخصی بر نمی‌داشت. فرانسه - روس و انگلیس سه دولتی بودند که می‌خواستند در ازای پرداخت وام به ایران امتیازاتی را بدست آورند.

دکتر فوریه می‌نویسد:

«سفارت ما فرانسه بتوسط اعتمادالسلطنه به شاه پیشنهاد کرد که این مبلغ را از یکی از بانک‌های فرانسوی به قرض گیرد و فوراً طلب شرکت را رد کند و در عوض دولت ایران به عنوان ضمانت گمرکات و یک عده از معادن فیروزه را که تا به حال در جزء امتیازات بانک شاهنشاهی به انگلیسی‌ها داده نشد به آن بانک فرانسوی واگذارد.»^{۴۵}

قبل از پیشنهاد فوریه، انگلیس بتوسط بانک شاهنشاهی حاضر شد به ایران وامی با بهره ۸٪ و ضمانت گمرکات جنوب بدهد. سفارتین روس و فرانسه که از ماجرا اطلاع یافته درصدد برآمدند که این تنخواه را با شرایط قابل حصول‌تری به ایران بدهند. شاه که بطور مستقیم ماجرا را تعقیب می‌کرد پس از اطلاع از شرایط سنگین انگلیس به اعتمادالسلطنه امر نمود که به سفارت روس رفته و از روسیه تقاضای وام کند. امین السلطان که ناظر بر جریانات بود تلاش داشت که این وام از انگلیس دریافت شود. بنابراین شرایط دولتین فرانسه و روسیه را به اطلاع

وزیرمختار بریتانیا رسانید. در نتیجه انگلیس قبول کرد که با بهره ۶٪ و ضمانت گمرکات جنوب وام مذکور را به ایران دهد. اعتمادالسلطنه که در سفارت روس برای دریافت وام چونه می‌زد از ماجرای توافق بین شاه و امین‌السلطان و بانک شاهنشاهی بی‌خبر است. وی که با امید دستیابی به سود بزرگ از سفارت روس به دربار برمی‌گشت از جریانات مطلع شده و همه چیز را عکس دید. انگلیس علاوه بر شرایط سابق تقبل نمود که ایران مبلغ بدهی خود را در چهل قسط (چهل برات) بازپرداخت نماید. روس و فرانسه از این آب‌گل‌آلود نتوانسته ماهی بگیرند. در مقدمه مفاد قرضه رژئی چنین آمده: «دولت علیه ایران ۵۰۰/۰۰۰ لیره انگلیس از قرار صدوشش تنزیل از بانک شاهنشاهی ایران قرض می‌کند.^{۴۶} و نیز در فصل اول قرارداد نامه آمده: «بانک مزبور متعهد می‌گردد در تاریخ ۱۵ مه سنه ۱۸۹۲ میلادی ۵۰۰/۰۰۰ لیره استقراض را در لندن به اداره رژئی شاهنشاهی تحویل نموده و قبض رسید گرفته و به اطلاع سفارت انگلیس تسلیم کارگزاران دولت علیه ایران نماید.^{۴۷}»

این قرارداد در شوال ۱۳۰۹ ق پس از امضا ناصرالدین شاه در دفتر وزارت امور خارجه ایران ثبت گردید.

به نظر می‌رسد که قرضه رژئی نخستین قرضه‌ای باشد که دولت ناصری از انگلیس دریافت کرد و سند آن هم به امضاء شاه رسید. اما قروض ۱۲۹۰ ق و ۱۳۰۶ ق توسط وکیلان شاه امضاء گردید. در نظام استبدادی قول و عمل شاه مدرک است و سندی رسمی است که شاه آن را امضاء کرده باشد. اینکه بعضی از منابع اذعان دارند که قرضه رژئی نخستین قرضه‌ای خارجی در دولت ناصری است با تأکید بر چنین رای و نظری است. درباره خسارت رژئی آمده است:

«آنچه را که انگلیسی‌ها به شاه و صدراعظم و وزراء برای گرفتن امتیاز تنباکو بعضی اعضای دخانیات ایران، رشوه داده بودند. چندین مقابل آن را به عنوان خسارت پس گرفتند. این قرض مانند سایر بارها و تحصیلات روی دوش ملت ایران باقی ماند در صورتی که ملت بیچاره ایران از کم و کیف آن هیچگونه اطلاعی نداشت و بی‌خبر از همه جا بود.^{۴۸}»

افزون بر دریافت وام از انگلیس، ناصرالدین شاه قصد داشت از روس‌ها نیز وام کلان اخذ نماید. رقابت روس و انگلیس در ایران موجب تقاضاهای مختلف از ناحیه شاه و درباریان

برای دریافت وام می‌گردید. این دولت‌ها جهت افزایش نفوذ خویش و بهره‌مندی از وضعیت سیاسی - اقتصادی ایران اعطای وام را یک ابزار مؤثر برای تحقق اهداف خویش می‌دانستند. در کتاب آبی در زمینه تقاضای ناصرالدین شاه از روسیه چنین آمده:

«ناصرالدین شاه قاجار علاوه بر وام‌هایی که از انگلیس گرفت قصد داشت وامی هم از دولت روسیه بگیرد. روس‌ها که به موازات رقیب خود در ایران فعالیت می‌نمودند، تلاش می‌کردند که از طریق اعطای وام دست ایران را به خود ببندند. گفتگوی دریافت هفتصد هزار لیره از روس‌ها میان ناصرالدین شاه و امین السلطان با روس‌ها آغاز گردید ولی ناصرالدین شاه نتوانست به وام روس دست یابد و پیش از دریافت کشته شد.»^{۴۹}

پیامد استقراض خارجی:

داده‌های تاریخی درباره اخذ وام در عصر ناصری نشان می‌دهد که دولت، شاه و دربار برای توسعه همه جانبه کشور دنبال جلب سرمایه و افزایش سرمایه گذاری در ایران نبودند. اگر چه نیت بعضی از افراد صاحب مسئول در عهد ناصری دایر بر توسعه و سازندگی کشور از طریق مشارکت شرکت‌های خارجی در این بود و اعطای امتیازات سیاسی - اقتصادی بر این محور تعریف و هدف‌گذاری گردید. اما بین انگیزه و قصد شاه با انگیزه و اهداف صدراعظم، مبانی وجود داشت. تأمین منابع برای پاسخ به هزینه‌های انفرادی شاه و انجام سفرها به هر طریق ممکن یکی از وظائف مهم صدراعظم بود. بنابراین وام ابزار سیاسی و اقتصادی برای رقابت روس و انگلیس در ایران گردید. وابستگی کشور به دو کشور روس و انگلیس و قدرت یابی دو سفارتخانه انگلیس و روسیه در ایران متأثر از این ابزار است. اخذ وام بدون مطالعه و عدم داشتن برنامه به جهت استفاده بهینه از آن زمینه وخامت اقتصادی را بوجود آورد. فروش منابع و یا در اختیار گذاشتن سرمایه اصلی و ملی در قبال اخذ وام‌های مورد نیاز شاه و دربار مهم‌ترین مؤلفه اقتصادی در توسعه نیافتگی ایران است که از عهد ناصری آغاز گردید. این روند در دوره مظفرالدین شاه فزونی یافته و اخذ وام‌های ویرانگر بیشتر از دوره ناصری زمینه وابستگی همه جانبه کشور را به دول اروپایی مضاف ساخت. ملکم خان می‌نویسد:

«از جمله غرایب ما یکی همین است که در این مدت صدسال که با فرنگستان مروده داریم در میان ما یک نفر آدم پیدا نشد که پنج دقیقه حواس خود را صرف تحقیق

علوم مالیه فرنگستان نماید و حال آنکه اغلب ترفیعات و عجایب این عهد نتیجه و حاصل این علوم فرنگستان است. ترتیبات مالیه فرنگستان طوریکست که در هیچ ده فرنگستان از پول احدی یک دینار بیکار و بی منفعت نمی‌ماند.^{۵۰}»

افزایش رقابت و تسلط روس و انگلیس بر منابع و اوضاع سیاسی، اقتصادی کشور هرگونه دوراندیشی و برنامه‌ریزی برای نجات مملکت از این نگرش و روش شاهان قاجار را در ذهن روشنفکران و آزادیخواهان و آگاهان جامعه پروراند. استقراض مانند امتیازات، بیدارگری ملی را رغم زد و اعتراضات سیاسی، اجتماعی از عهد ناصر یکی پس از دیگری بوجود آمد. به موازات افزایش نفوذ دولت اروپایی در ایران و جانبداری گروهی از روشنفکران از حضور روس و انگلیس در کشور و توسعه ارتباطات با آنها گروهی از آگاهان جامعه خصوصاً مراجع دینی بر پایه آموزه‌های اسلام و عرق وطن‌دوستی رهایی از سلطه اروپائیان و حفظ منابع و دفاع از استقلال کشور را مطرح کردند. وقوع نهضت مشروطه در نتیجه تلاقی این دو نظام فکری و انتقاد از کارکرد شاهان قاجاری و اعتراض به سیاست‌های سلطه‌طلبانه روس و انگلیس بوده است که می‌توان گفت استقراض خارجی و امتیازات دو عامل اساسی در شکل‌پذیری اعتراضات سیاسی و اقتصادی بوده است.

نتیجه:

بررسی مختصر از وضعیت اقتصادی ایران در عهد قاجاریه با تأکید بر دوره ناصرالدین شاه نشان می‌دهد که عدم وجود دانش و آگاهی و ناتوانی در بهره‌گیری از دانش و کارشناسی تمدن غرب و اتکاء به داشته‌های تمدنی و دینی خویش کشور را به سمت وابستگی روزافزون سوق داد. سوء مدیریت و سپردن امور به افراد سودگرا و اداره کشور بر اساس یک نظام فرسوده سنتی؛ فرصت نفوذ اروپائیان را به وجود آورد. اصلاح طلبانی چون امیرکبیر که درد سیاسی و اقتصادی کشور را شناخته و راهکار عبور از این اوضاع ناسالم و ناکارآمد را یافته اما تفکر عشیره‌ای قاجاریه دست چنین افرادی را از خدمت به مردم قطع و به حیات آن خاتمه دادند. هدایت شاه و دربار به سمت استقراض نتیجه تفکر منفعت‌گرایانه درباریان و ارتباطات پنهان و آشکار آن‌ها با عوامل روس و انگلیس بوده است.

یادداشت‌ها:

- ^۱ معتضد-خسرو ، تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران ، ص ۲۱۲.
- ^۲ نصر-تقی ، ایران در برخورد با استعمار گران -چاپ اول ، ۲۸۵.
- ^۳ یکتایی ، مجید: تاریخ دارایی ایران ، ص ۱۲۹.
- ^۴ صدر، محسن: خاطرات صدراالاشراف، ص ۱۶۰.
- ^۵ در اصطلاح امروزی وزارت دارایی.
- ^۶ یک سیاهه ایالتی بود مانند برگ کاغذ که روی آن جمع و خرج محلی نوشته می شد.
- ^۷ مصدق، محمد : اصول قواعد و قوانین مالیه، ص ۱۹.
- ^۸ جزایری، شمس الدین: قوانین مالیه و محاسبات عمومی ، ج اول ، چاپ دوم ، ص ۷۱-۷۰.
- ^۹ سرجان ملکم: تاریخ ایران ، ج دوم، ص ۵۶۸.
- ^{۱۰} نصر، تقی: ایران در برخورد با استعمار گران ، ص ۴۱۳.
- ^{۱۱} عیساوی : چالز ، تاریخ اقتصادی ایران ، ترجمه یعقوب آژنو، چاپ دوم ، ص ۵۲۶.
- ^{۱۲} جمالزاده، محمدعلی ، گنج شایگان ، چاپ اول ، تهران ، ص ۱۱۸.
- ^{۱۳} صدر، محسن : خاطرات صدر الاشراف، ص ۱۶۰.
- ^{۱۴} لمبتون : مالک و زارع در ایران ، ترجمه منوچهر امیری -چاپ سوم ، ص ۲۶۷.
- ^{۱۵} همان « ص ۷۰-۲۶۷.
- ^{۱۶} حاج سیاح ، خاطرات ، چاپ دوم ، ص ۴۳۶.
- ^{۱۷} آرتور میلسپو، ماموریت امریکائیه در ایران ، ص ۷۰-۷۶.
- ^{۱۸} ملکم، جان ، تاریخ ایران ج دوم، ص ۵۶۵.
- ^{۱۹} ملکم همان منبع، ص ۵۶۵.
- ^{۲۰} همان منبع ، ص ۶۷-۵۶۵.
- ^{۲۱} منخبرالسلطنه هدایت ، گزارش ایران ، ص ۴۸.
- ^{۲۲} کرزن، ایران وقضیه ایران، ج دوم ، ص ۵۶۲.
- ^{۲۳} محیط مافی ، هاشم ، مقدمات مشروطیت ، ج اول ، ص ۵۹.
- ^{۲۴} منخبرالسلطنه هدایت ، همان منبع ، ص ۸۲.
- ^{۲۵} س.ج.و.بنجامین ، ایران و ایرانیان «عصر ناصرالدین شاه»، ص ۱۲۵.
- ^{۲۶} رئیس نیا ، رحیم ، زمینه اقتصادی و اجتماعی انقلاب مشروطیت ایران ، ص ۱۳.
- ^{۲۷} یکی از فرزندان فتحعلیشاه.

- ^{۲۸} یکتایی: تاریخ داریایی ایران - ص ۱۰۵.
- ^{۲۹} آدمیت: امیرکبیر و ایران - چاپ پنجم ص ۷۹-۲۷۶.
- ^{۳۰} سپهر (لسان‌الملک) محمدتقی: ناسخ التواریخ - ج سوم، ص ۳۰.
- ^{۳۱} آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، چاپ اول، ص ۳۱۲.
- ^{۳۲} آدمیت، همان منبع، ص ۳۱۲.
- ^{۳۳} شیل، لیدی - خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، ص ۸۴.
- ^{۳۴} Bakhshsh showl: Iran: monarchy, bureaucracy and reform under the gajar. p278.
- ^{۳۵} شوستر-مورگان: اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن شوستر، چاپ دوم، ص ۳۲۶.
- ^{۳۶} مهدی بهار، میراث خوار استعمار - چاپ ۱۶ ص ۲۰۹.
- ^{۳۷} کوزننسا، اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران، ترجمه سیروس ایزدی، ص ۳۴.
- ^{۳۸} همان منبع ص ۳۶.
- ^{۳۹} عبدالحسین خان سپهر، مرات الوقایع مظفری و یادداشت های ملک المورخین، ص ۱۶۰.
- ^{۴۰} عیساوی، همان منبع، ص ۵۳۰.
- ^{۴۱} تیموری، ابراهیم، عصر بی خبری، ص ۳۶۶.
- ^{۴۲} امین الدوله، خاطرات، ص ۸-۵۷.
- ^{۴۳} تیموری، همان منبع، ص ۶۸-۳۶۷.
- ^{۴۴} بامداد - مهدی، تاریخ رجال ایران، قرون ۱۲-۱۳-۱۴، جلد ۴ ص ۳۰۱.
- ^{۴۵} دکتر فوریه سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبالی. ص ۲۵۰.
- ^{۴۶} تیموری همان منبع ص ۷۰-۳۶۹.
- ^{۴۷} همان منبع ص ۷۰-۳۶۹.
- ^{۴۸} براون - ادوارد: انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه. ص ۵۷.
- ^{۴۹} کتاب آبی - جلد اول، ص ۱۱.
- ^{۵۰} آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، ص ۱۵۶.

منابع و مآخذ:

- آدمیت، فریدون: اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، تهران - شرکت انتشارات خوارزمی، چاپ اول ۱۳۵۱-.
- آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم، ص ۲۵۳۵.
- امین الدوله، میرزا علی خان: خاطرات سیاسی امین الدوله - چاپ فرما فرماتیان، تهران، شرکت سهامی کتابهای ایران، ۱۳۴۱.
- بامداد، مهدی: تاریخ رجال ایران، قرون ۱۴-۱۳-۱۲ جلد ۴. تهران کتابفروشی زوار، ۱۳۴۷.
- براون، ادوارد: انقلاب ایران، ترجمه احمدپژوه. انتشارات معرفت، چاپ دوم، ۱۳۳۸.
- بنجامین س. ج. د: ایران و ایرانیان «عصر ناصرالدین شاه». ترجمه محمد حسین کردبچه، تهران - سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳.
- بهار، مهدی: میراث خوار استعمار، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ شانزدهم ۱۳۵۷.
- تیموری، ابراهیم: عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکا ۱۳۳۲.
- جزایری، شمس الدین: قوانین مالیه و محاسبات عمومی، جلد اول، تهران انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۲.
- جمالزاده، محمدعلی: گنج شایگان، یا اوضاع اقتصادی ایران، تهران، کتاب تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- حاج سیاح: خاطرات، حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، چاپ سیف اله گلکار، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم ۲۵۳۶.
- رئیس بنا، رحیم: زمینه اقتصادی و اجتماعی انقلاب مشروطیت ایران. انتشارات ابن سینا، چاپ دوم - بی تا.
- سپهر، عبدالحسین خان: مرآت الوقایع مظفری و یادداشت های ملک المورخین، چاپ عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۸.

- سپهر (لسان الملک)، محمدتقی: ناسخ التواریخ، چاپ جهانگیر قائم مقامی، جلد سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۷.
- شوس‌تر، مورگان: اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن شوشتری، تهران، بنگاه مطبوعات صفی‌علیشاه، چاپ دوم، ۱۳۵۱.
- شیل‌لیدی، خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲.
- صدر، محسن: خاطرات صدر الاشراف. انتشارات وحید - چاپ اول، ۱۳۶۴.
- عیسوی، چارلز: تاریخ اقتصادی ایران. ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
- فوریه، جان: سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران، انتشارات کتابخانه علی‌اکبر علمی و شرکا، ۱۳۳۶.
- کرزن، جرج ناتانیل: ایران و قضیه ایران، ترجمه علی‌جوهر کلام. تهران، انتشارات ابن‌سینا، چاپ سوم، ۱۳۴۷.
- کوزنتسوا: اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران، ترجمه سیروس ایزدی. تهران، نشر بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۵۸.
- لمبتون: مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات علمی، چاپ سوم، ۱۳۶۲.
- محیط مافی، هاشم: مقدمات مشروطیت. چاپ مجید تفرشی، جوادجان خدا، جلد اول، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- مصدق، محمد: اصول قواعد و قوانین مالیه. در ممالک خارجه و ایران قبل از مشروطیت و در دوره مشروطه - ج اول، تهران، مطبعه تهران، ۱۳۰۴ ش.
- معتضد، خسرو: حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران. انتشارات جانزاده، ۱۳۶۶.
- ملکم سرجان: تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، چاپ مرتضی سیفی قمی تفرشی، جلد دوم، انتشارات یسوی و فرهنگسرا، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- میلیسو، آرتور: ماموریت آمریکائی‌ها در ایران. ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، انتشارات پیام، چاپ اول، ۲۵۳۶.
- نصر، تقی: ایران در برخورد با استعمارگران، شرکت مولفان و مترجمان ایران، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- هدایت مخبرالسلطنه، مهدیقلی خان: گزارش ایران (قاجار و مشروطیت)، چاپ محمد علی صوتی، تهران، نشر نقره، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

یکتایی، مجید: تاریخ داریی ایران. تهران-انتشارات دهخدا، ۱۳۵۲.

Bakhash, showl: Iran: monarchy,bureaucracy and-reform under the
gajor

1858-1896.Landon: I The capress for Themiddleeast center.1978